

## تحقق انسان در عرفان اسلامی و اندیشه های کارل گوستاو یونگ

آیلار ملکی<sup>۱</sup>

دکترای عرفان اسلامی - پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی

### چکیده

در حوزه عرفان، تحقق انسان در گرو پرورش ابعاد الهی-روحانی اوست. یعنی غنا بخشیدن به اطوار روحی آدمی که در ارتباط مستقیم با «تشبه یافتن به خالق» قرار دارد مد نظر این آموزه هاست. تربیت عرفانی مستلزم تعدیل آمال و مهار نمودن امیال نفسانی و حیوانی بوده و گام نخست آن فرا رفتن از خودیتی است که مستلزم دلبستگی به امور فانی و بی توجهی به خداوند است. در آرای یونگ سخن از «انسان فردیت یافته» به میان می آید. این انسان با ایجاد تعادل بین خودآگاه و ناخودآگاه روان خویش، خود را تحقق می دهد و اینجاست که او به تمامیت و جامعیت خود نائل می شود. از نظر یونگ، مولفه شناخت و معرفت فرد نسبت به روان خود، اهمیت والایی در ایجاد این تعادل و جامعیت دارد. مقصد هر دو رویکرد مورد بحث، با حقایق همچون: خدا، پرورش بُعد روح و معنا و مسئله تعدیل قوا پیوند خورده است. در این تحقیق بر آنیم تا به شیوه توصیفی و تحلیلی دو الگو و نظریه را بررسی کرده و مبدا، مسیر و مقصد این فرایند را تشریح نماییم.

واژگان کلیدی: عرفان اسلامی، یونگ، انسان، تربیت، خدا

<sup>۱</sup> نویسنده مسئول: ailarmaleki0000@gmail.com

نیل انسان به کمال خود یکی از اصول مورد توجه در نحله های مختلف است. عرفان اسلامی و شیوه روان تحلیلی یونگ نیز از این امر مستثنی نیستند. تمام کوشش نحله‌هایی که «انسان» را در مدار توجه خود قرار داده اند کاوش در کشف راه های ارتقا و تعالی انسان است و این تعالی در دو رویکرد مورد بحث اساسا حول محور ابعاد روانی انسان شکل گرفته است. این مسئله که کمال انسان چگونه و از چه راه هایی حاصل می شود و به چه معناست؟ دغدغه مهم این پژوهش است. روشن است که «تحقق یافتگی» فرایندی است که با تعالی شدن و کاملتر شدن انسان پیوند خورده است. در عرفان اسلامی محک تحقق یافتگی آدمی، میزان تخلق او به اخلاق الهی و تشبه به ربوبیت است و این مهم با رها شدگی و سلامت یافتن از غیر حق حاصل می گردد. در اندیشه یونگ فرایند فردیت یافتن به مثابه جدال و کشمکش درونی معرفی می شود که هدف از آن نه تنها نیل به اعتدال در بروز خودآگاه و ناخودآگاه بلکه حرکت از جزئیت به کلیت است. یعنی آدمی همچون قهرمانی است که از «من» جزئی به سوی «خود» کلی سیر می کند (سیدصادقی؛ اردلانی؛ حبیبی، ۱۳۹۸) و این امر اشاره به یک حرکت کمالی برای فرد دارد.

### مبانی تحقیق

مسئله تحقیق و شکوفایی انسان که کاملتر شدن و حصول کیفیت مطلوبی از حیات را مد نظر دارد همواره مورد توجه انسان پژوهان بوده است. اهمیت این گونه مسائل در بهبود کیفیت زندگی می باشد که ناظر به دو بعد جسمانی و روحی-روانی است. لازم به ذکر است که تاکنون پژوهشهای مختلفی در این خصوص صورت گرفته. پژوهشهایی که در ارتباط با تحقق خویشتن آدمی قرار دارند در حوزه عرفان عمدتا در قالب «خودسازی» و مفاهیم مشابه ارائه شده و در حوزه روانشناسی نیز موضوعاتی همچون «خودشکوفایی» - که در الگوی آبراهام مزلو مطرح شده و مقاله و پایان نامه ای در این خصوص توسط نگارنده به ثبت رسیده- و همچنین در موضوع «انسان فردیت یافته» که در الگوی یونگ مطرح است قابل ذکر می باشد. در این خصوص می توان به کتاب *انسان فردیت یافته* یونگ اثر دوان شولتز و ترجمه گیتی خوشدل اشاره کرد.

### روش تحقیق

در پژوهش حاضر از روش توصیفی و تحلیلی بهره برده و به شیوه کتابخانه ای به جمع آوری مطالب لازم پرداخته ایم.

### یافته ها

#### ۱- خودتحقیق در عرفان اسلامی

در عرفان اسلامی «تحقق خود» در قالب مباحثی همچون خودسازی، تهذیب نفس، تزکیه و امثال اینها مطرح می شود و مقصد اولیه آن تجربه ولادت ثانوی و تبدیل مزاج روحانی است که با این تجدید حیات، فرد ربانی و الهی می شود (رک. امام خمینی، ۱۳۷۸). سلوک عرفانی همان مسیری است که به «خود تحقیق» عارف می انجامد. آغاز این سیر، از خود انسان است و این «خود نخستین»، در تعبیر عرفا با عنوان «انانیت» یاد می شود و اشاره به وجه نفسانی و غیر مهذب «خود» دارد. با توجه به اینکه مقصد سیر عارف «الله» و «هویت الهیه» است، «انانیت» و آن «خویشتنی» که سالک، سیر الی الهی خود را با نفی کردن آن آغاز می کند من غیر الهی و من حیوانی اوست که در مرحله انسانیت بالقوه و نه بالفعل، قرار دارد. اینکه در عرفان، به انحای مختلف بر لزوم «تحقق الهی خود» تاکید می شود اشاره به این دارد که تهی نمودن خویشتن نفسانی از عناصر غیر الهی و اتصال آن به مبدأ الهی یک ضرورت است. حصول ضرورت مزبور، در گرو تهذیب نفس سالک یعنی پاکیزه کردن و پاک

داشتن نفس اوست (کاشانی، ۱۴۲۶ق). این امر در عرفان به اجتناب از رذایل تحقق می یابد که اکتساب فضایل را به دنبال دارد.

### عناصر اصلی خود تحقیقی

#### آگاهی

#### آگاهی ذاتی و اکتسابی

نحوه خلقت انسان با عنصر «آگاهی» پیوند خورده است بنابراین «آگاهی» در ارتباط با فطرت آدمی قرار دارد. انسان به محض اینکه خلق می شود دارای «آگاهی» نیز هست<sup>۱</sup>. گفته می شود: «وجود نفس انسانیه عین حیات و نور و علم حضوری به خود... است» (سبزواری، ۱۳۷۴، ج ۲). این مرتبه از آگاهی که حضوری و شهودی است یک آگاهی نخستین بوده و در خمیره وجودی انسان قرار دارد. این «آگاهی» که اولین درجه ادراک انسان است سرآغاز سایر «ادراکات» او از حقایق اشیاء می باشد. بنابه قول آیت الله شاه آبادی، اولین چیزی که مشهود انسان است، خویشتن اوست (شاه آبادی، ۱۳۸۶ الف: ۷۲) که از منظر عارف عین آگاهی حضوری او به خداوند است. زیرا همانگونه که انسان به خود و امور نفسانی خود وجدانا آگاه است یعنی علم حضوری دارد مبدأ هستی را نیز با همین قسم از علم درک می کند (رک. امین، ۱۳۶۱، ج ۵).

هر مرتبه از آگاهی ثانوی و اکتسابی انسان مبتنی بر همان علم حضوری و نخستین او از «خدا و خود» است. درک ضرورت نیل به مبدأ کامل و کشف نحوه سیر الی الله و هر آنچه می تواند در قالب عرفان مطرح شود بر پایه همان آگاهی ذاتی و فطری قرار دارد که فرد با خود به همراه می آورد. «فطرت» انسان - که گفته شد از آگاهی و علم حضوری قابل تمایز نیست - منشا آگاهی ها و معارف مهمی برای انسان است. این حقیقت، منبع تسلط او بر امور دیگر نیز می باشد (سبزواری، ۱۳۷۴، ج ۱). بنابراین انسان برای نیل به تحقق خود دارای ابزار درونی است.

میل به خود تحقیقی در سالک امریست که با «عشق» و «اشتیاق» همراه است و این شوق قلبی از آگاهی و معرفت نخستین بیگانه نبوده بلکه تحت تاثیر آن است؛ چرا که بدون معرفت به زوایایی از حقیقت قرب به مبدأ، شوق خود تحقیقی و اكمال نفس وجود نخواهد داشت. انسان از کشش ذاتی به سمت کمال یافتن برخوردار است.

#### اشتیاق

یکی از اصلی ترین ویژگی های فطرت انسان «کمال طلبی مطلق» و همچنین «گریز از نقصان» است. آیت الله شاه آبادی که به فیلسوف فطرت نیز معروف بوده و تالیفاتی در این خصوص دارد ضمن سخن از «عشق همگان به کمال» یافتن، «تلاش» افراد برای وصول به ثمرات امور را نمونه ای از فطرت عشق به سوی کمال ذکر می کند (رک. شاه آبادی، ۱۳۸۶ ب). همچنین با مطرح کردن «برهان ارتقا»، هر انسانی را شایسته ارتقاء یافتن و به کمال رسیدن در امور علمی و عملی دانسته و تشنگی برای نیل به کمال این طلب را متوجه ذات خداوند می داند که بی نهایت است (شاه آبادی، ۱۳۸۶ ج).

کمال به هر میزان که بالاتر باشد و «معلوم» انسان شود «معشوق» او نیز خواهد شد و این امر در انسان حد یقف ندارد به همین سبب است که بالاترین مصداق کمال را می جوید. حرکت به سوی این مصداق اتم، حرکتی دلی و مشتاقانه توصیف می شود (شاه آبادی، ۱۳۸۶ ب).

عارف «خود تحقیقی» را عمیقاً با تجربه تقرب به حق و تشبه به خالق پیوند می دهد. و چون سخن از عشق ذاتی و حب الهی که در اجزای عالم سریان یافته به میان می آورد، گرایش و حرکت به سمت کمال را نیز حرکتی مشتاقانه قلمداد می کند. اما

<sup>۱</sup> لازم به توضیح است که در اینجا «آگاهی» ویژه انسان مد نظر است یعنی همان درجه از ادراک که او را از سایر موجودات متمایز می کند و گرنه موجودات دیگری غیر از انسان نیز مرتبه ای از آگاهی را با خلقت خود، همراه دارند.

باید دید آیا صرف معرفت، آگاهی و اشتیاق برای نیل به کمال خود کافی است؟ در اینجاست که عنصر مهم دیگری تحت عنوان عمل مطرح می شود.

### عمل

صیقل یافتن حقیقت وجودی انسان با تصفیه قوای جسمانی و توسط «عقل عملی» صورت می گیرد. رفع کدورات بدنی و دنیوی از منظر عارف یک اصل مهم به شمار می رود و موجب می شود سالک به «صفای روح» راه یافته و به عوالم مافوق متصل شود (رک. اردبیلی، ج ۳). تمامی این موارد جزء عمل سالک به شمار می رود که در کنار مولفه های نظری و ادراکی می تواند سالک را به تحقق خود الهی نائل کند.

بنا به آیه قرآن نیز امید لقای پروردگار منوط به عمل صالح است. «... مَنْ كَانَ يَرْجُو لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا» (کهف/۱۱۰). در نشئه دنیا لقای پروردگار با عبودیت پیوند دارد. لقای الهی همان مقصدی است که سالک در مسیر خود تحقیقی به آن می رسد. این لقاء از منظر عارف بدون انقطاع قلبی از هر آنچه که حجاب حق تلقی می شود میسر نخواهد شد زیرا در آیه مزبور امید لقای رب منوط به شرک نوزیدن به حق نیز می باشد. عرفان مجموعه ای از برنامه های تربیتی و عملی را ارائه می دهد که هدف آنها تحقق رهایی از اغیار و تقرب به حق است این فرایند چیزی جز تحقق خود متعالی و الهی سالک نمی باشد که همگی در گرو عمل است.

## ۲- تحقق فردیت در الگوی یونگ

### اصطلاحات مهم

#### روان

یکی از اصطلاحات اصلی که لازم است برای درک بهتر دیدگاه یونگ درباره فردیت یافتن روشن شود «روان» است. وی روان را کل وجود ما اعم از خودآگاه و ناخودآگاه می داند. یونگ سخن از کشش روان آدمی به سوی کلیت و تمامیت به میان آورده است. (یونگ، ۱۳۷۲) از نظر او ویژگی روان این است که ذاتا «هدفمند» و معطوف به «مقصد» است بدین معنا که همواره در جستجوی رشد «تمامیت» و «تعادل» است (هاید، ۱۳۷۹).

#### خود و خویشتن

یونگ «خود» را مرکز خودآگاهی می داند که نباید با Self یا «خویشتن» اشتباه شود. «خویشتن» هدف نهایی جریان تکامل فرد شدن یا همان «فردیت یافتن» است بنابراین تمامیت شخصیت که روان ذاتا به سوی ان تمایل دارد اشاره به اصطلاح اخیر دارد (رک. هاید، ۱۳۷۹).

#### فردیت یافتن و مقصد آن

سیر به سوی فردیت از دیدگاه یونگ سیر تکاملی روح است و به سوی مرکز یا همان فردیت صورت می گیرد (هاید، ۱۳۷۹) از آرای یونگ چنین بر می آید که انسان همواره به دنبال کمال و کشف حقیقت وجودی است و این مهم با ایجاد تعادل بین خودآگاه دستیافتنی نیست تحقق فردیت به روندی مداوم اشاره دارد که مترادف با بلوغ شخصیت است (اپلی، ۱۳۷۸). در مسیر تحقق فردیت، ضرورت «شناخت» ابعاد وجودی خود مطرح می شود (همان).

اپلی به نقل از یونگ تعریفی از هدف تحقق فردیت ارائه می دهد که هم از حیث روشن تر شدن معنای فردیت یافتن و هم از حیث مقصد این فرایند، حائز اهمیت است. وی می گوید: «هدف از تحقق فردیت آن است که از فرد، موجودی یگانه و اصیل یعنی یک شخصیت بسازد و اگر منظور ما از فردیت، دستیابی به یگانگی بی نظیر یعنی خصوصی ترین وجه وجودمان باشد، هدف آن تبدیل فرد به خود حقیقی اوست». (اپلی، ۱۳۷۸). این تعریف یونگ نشان می دهد که آنچه در طی زندگی نادیده

گرفته شده اما در درون ذات ما وجود دارد، خودی اصیل است که برای تکامل روحی خود نیازمند شکوفا نمودن و تحقق آن هستیم.

### عناصر مهم فرایند فردیت یافتن

#### شناخت و معرفت

پاسخگویی مثبت به میل ذاتی روان آدمی برای رسیدن به تمامیت و جامعیت که همان تحقق فردیت است ابتدا مستلزم درک عمیقی از زندگی برای فرد است. شناخت کامل فردی که به مثابه قهرمانی در مسیر تحقق فردیت است، نسبت به خود و قطبهای ناهمگون وجود خود از هر چیز دیگری مهمتر است. شناخت دقیق توانایی‌های خویش و آگاهی از ناکامل و عادی بودن آدمی، مسئله‌ای تعیین کننده برای نیل به تمامیت، جامعیت و فردیت یافتگی است. ایجاد تعادل بین تضادهای وجودی و درونی پس از احراز چنین شناختی حاصل می‌شود (رک. سید صادقی، اردلانی، ۱۳۹۸).

#### حفظ تعادل

یونگ در ضمن مثالی که از دین مسیحیت می‌آورده به تبیین تمامیت و تحقق فردیت پرداخته است. وی می‌گوید: در مسیحیت «مسیح» نمایانگر تمامیت شخصیت و همان «انسان اصیل» است. وی از خصایل مهم این شخصیت تمام را تلفیقی از دو ویژگی معرفی کرده و می‌گوید: مسیح در عین حالی که به انسان عادی شبیه است از او فراتر می‌رود (هاید، ۱۳۷۹). مقصود یونگ از نقل این مثال حل تضادی از خداگونگی و عادی بودن و ایجاد اعتدالی بین دو قوه به ظاهر متضاد است که دائما در درون انسان حضور دارند. بنا به عقیده یونگ ضمیر ناخودآگاه در مواردی می‌تواند منفی و خطرناک باشد و آن زمانی است که فرد در «تضاد» با تمایلات اساسی وجود خود و در عدم توافق با ناخودآگاه باشد (اپلی، ۱۳۷۸). یونگ «تضاد» را امر منفی تلقی نمی‌کند بلکه آن را موجب نوسازی زندگی می‌داند. در واقع یونگ معتقد بود اعتدال از درون همین پارادوکس‌ها حاصل می‌شود. (رک، غروی نیستانی؛ زروانی، ۱۳۹۱) بنابراین نه تنها تضادها را توجیه و تفسیر نمی‌کرد بلکه با پذیرش آنها به مسئله اعتدال ابعاد و قوا و احساسات متضاد انسان به دیده عامل تولد ثانوی می‌نگریست.

### ۳- مقایسه دو رویکرد

#### وجوه همسانی

- ۱- هم در عرفان اسلامی و هم در آرای یونگ میل به تحقق خود یک امر ذاتی معرفی می‌شود.
- ۲- عنصر آگاهی و معرفت که عبارت است از شناخت نفس و آگاهی از زوایای وجودی و یا تمایلات خود، در هر دو رویکرد مطرح می‌شود
- ۳- عمل به اقتضای آگاهی
- ۴- قبول تضادها در وجود آدمی و مثبت تلقی کردن این امر.
- ۵- ایجاد تعادل بین قوا امری مهم در تحقق خود به شمار می‌رود.

#### وجوه ناهمسانی

- ۱- تاکید بر میل ذاتی بر خود تحقیقی در عرفان اسلامی لزوماً با فطرت الهی پیوند خورده است که این مسئله در آرای یونگ کمرنگ است

- ۲- شناخت خود، در عرفان اسلامی تحت عنوان معرفت نفس مطرح شده و محدود به شناخت قوای سطحی و حسی نبوده و اطوار باطنی تر روح را مد نظر قرار می دهد در حالی که در آرای یونگ این شناخت ضرورتاً به مسائل روحی اشاره نداشته و زوایای سطحی تر و تمایلات ملموس تر را نیز مد نظر قرار می دهد.
- ۳- آنچه با عنوان زوایای باطنی وجود انسان مطرح می شود در آرای یونگ ذیل ناخودآگاهی تبیین شده ولی در عرفان اسلامی با عنوان اطوار و مراتب باطنی روح و نشئات وجودی بررسی می شود.

### نتیجه گیری

انسان همواره به طور ذاتی در جستجوی ایجاد اعتدال بین قوا، تمایلات و زوایای مختلف وجودی خود است. به بیان دیگر او متوجه تضادها و پارادوکس های وجودی خود بوده و نیل به نقطه اعتدال را می طلبد. در عرفان اسلامی و آرای یونگ وجود تضاد در درون انسان پذیرفته شده و این امر نه تنها منفی تلقی نمی شود بلکه راهی است به سوی وحدت، اعتدال و تجدید حیات.

در آموزه های سلوکی عرفانی جدال بین جنود عقل و جهل مطرح می شود که تمایل به حصول وحدت دارد این امر به بیان یونگ با ایجاد اعتدال تحقق می یابد. تحقق و شکوفایی خود، میل ذاتی انسان به کمال یافتن و رسیدن به تمامیت و جامعیت است که هم در آموزه های عرفانی به چشم می خورد و هم در دیدگاه های یونگ.

نکته حائز اهمیت در هر دو رویکرد اینست که آدمی از یک نقطه غیر متعالی آغاز به تحقق می کند. آنچه کشش ذاتی انسان در جستجوی آن است با «من» قبل از تحقق یافتگی متفاوت است. زیرا انسان تحقق یافته و فردیت یافته به جمع اعداد وجودی خود نائل شده و به تعبیر عرفانی یک انسان به توحید پیوسته است همانگونه که به تعبیر یونگی او یک انسان اصیل، تمام و جامع می باشد.

بر اساس گفته های مزبور، ضرورت خود تحقیقی را بایستی در ایجاد محیط فردی و اجتماعی سالم جست زیرا انسانی که به تمامیت خودش نائل نشده، منشأ آسیبها و انحرافات به شمار می آید. به همین علت است که آموزه های و رویکردهای تربیتی و انسان محور برای نیل به سلامت فردی و اجتماعی در جستجوی شناخت انسان برآمده و به ارائه برنامه ها و الگوهای تربیتی می پردازند.

### منابع

- اپلی، ارنست. ۱۳۷۸، رویا و تعبیر رویا (از دیدگاه روانشناسی یونگ)، برگردان دل آرا قهرمان، تهران: میترا، چاپ دوم.
- اردبیلی، عبدالغنی. ۱۳۸۱، *تقریرات فلسفه امام خمینی*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ دوم.
- امین سیده نصرت (بانوی اصفهانی)، ۱۳۶۱، *مخزن العرفان در تفسیر قرآن*، تهران: نهضت زنان مسلمان، چاپ اول.
- سبزواری، ملا هادی، ۱۳۷۴، شرح مثنوی (سبزواری)، محقق / مصحح: مصطفی بروجردی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، چاپ اول.
- سیدصادقی، سید محمود؛ اردلانی، شمس الحاجیه؛ حبیبی، اصغر. ۱۳۹۸. خودپرورانی یادیدار با خویشتن خویش در هفتخوان رستم و اسفندیار از دیدگاه روانکاو یونگ، فصلنامه علمی پژوهشی تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی، شماره ۳۹.
- شاه آبادی، میرزا محمدعلی، ۱۳۸۶ الف، *فطرت عشق*، شرح آیت الله فاضل گلپایگانی، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول.
- ، ۱۳۸۶ ج، *رشحات البحار*، گردآورنده: حیدر تهرانی، شرح آیت الله فاضل گلپایگانی، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول.

--- ، ۱۳۸۶ب، فیلسوف فطرت (نگاهی به احوال و افکار عارف حکیم آیت الله العظمی محمدعلی شاه آبادی)، علی حیدر مرتضوی، نشر سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول.

غروی نیستانی، سید ماجد؛ زروانی، مجتبی، ۱۳۹۱، تحلیل مضامین پارادوکسیکال مولوی بر اساس روش تحلیلی یونگ، فصلنامه علمی پژوهشی « پژوهش زبان و ادبیات فارسی»، شماره بیست و پنجم، صص ۷۵-۹۲.

کاشانی، عبد الرزاق، ۱۴۲۶ق. اصطلاحات الصوفیة، بیروت: دار الکتب العلمیة، چاپ: اول.

موسوی خمینی، روح الله، ۱۳۷۸، شرح حدیث جنود عقل و جهل، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ سوم.

هاید، مگی؛ نقاش: مک گینس، مایکل، ۱۳۷۹، یونگ (قدم اول)، ترجمه نورالدین رحمانیان، تهران: نشر پژوهش و شیرازه، چاپ اول.

یونگ، کارل گوستاو، ۱۳۷۲، روانشناسی ضمیر ناخودآگاه، ترجمه محمد علی میری، تهران: اندیشه های عصر نو (انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی)، چاپ اول.